

نقد کتاب آموزش نوین زبان فارسی

محمود مهرآوران^۱
محمد ناطق^۲

چکیده

با گسترش آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان در ایران و نیز در دیگر کشورها، کتابها و منابعی نیز برای این امر تهیه و تألیف شده است. مجموعه کتابهای «آموزش نوین زبان فارسی» یکی از این منابع است که آقای احسان قبول آنها را تألیف و چاپ کرده است. این مجموعه شش جلد دارد که در سه سطح آغازین، میانی و پیشرفته در نظر گرفته شده است. در این مقاله به بررسی و نقد جلد یک این مجموعه پرداخته ایم. جلد یک به آموزش دوره آغازین می‌پردازد. با توجه به بخش‌بندی خود کتاب به عنوانهای مختلف، هر قسمت را جداگانه بررسی و نکات مثبت یا ضعف و اشکال آن را بیان کرده ایم. معیار نقد، در نظر گرفتن اصول آموزش زبان، سطح کاربردی بودن محتوا، رعایت نیازها و پیش نیازهای مباحث و مانند آن بوده است. از مزایای این کتاب آن است که پس از یک متن کوتاه، در قسمتهای گوناگونی مانند تمرین، گفت و گو، تلفظ کلمه‌ها و دستور، زبان آموزان را به فعالیت وامی‌دارد اما رعایت نکردن برخی از اصول آموزش زبان، پرداختن به جمله پیش از یاددادن صداها و حروف الفبا، نامشخص بودن مخاطب به‌طور دقیق، نامتوازن بودن درسها و نیز تکلف در جمله‌سازی از نقاط ضعف جلد یک این مجموعه است. این کتاب در مجموع متنی مفید برای آموزش زبان فارسی است که بیشتر مخاطب عرب زبان را در نظر گرفته است. بنابراین برای غیر عرب زبانها مشکلاتی را به وجود می‌آورد.

کلید واژه‌ها: آموزش زبان فارسی، آموزش نوین زبان فارسی، منابع آموزشی، احسان قبول، نقد و بررسی.

۱. دانشیار دانشگاه قم و همکار علمی جامعه المصطفی. (نویسنده مسئول). Mehravaran72m@gmail.com

۲. کارشناس پژوهش مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی جامعه المصطفی. nateq@ilis.ir

■ تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۰۸

■ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۲۴

مقدمه

امروزه آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان، از برنامه‌ها و فعالیتهای مهم و مورد توجه در کشور شمرده می‌شود. نهادهای متعددی مانند دانشگاه تهران، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین و دانشگاه فردوسی مشهد و جامعه المصطفی العالمیه این برنامه را در داخل و برخی از نهادها از جمله وزارت علوم و جامعه المصطفی آن را در خارج از کشور نیز اجرا می‌کنند. چند سالی است که بنیاد سعدی نیز بنا گذاشته شده تا کار تجمیع و هماهنگی این فعالیتها را در داخل و خارج از کشور به عهده بگیرد. این امر تهیه و تدوین متون آموزشی مناسب را لازم و بایسته کرده است. از این رو نهادها و مراکز متعددی برای تأمین هدف و برنامه خود متونی را تدوین یا تألیف کرده‌اند. بررسی، بازنگری و بازخوانی متون تألیف شده می‌تواند به متولیان و نویسندگان کتابهای مخصوص آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان کمک کند تا بهتر به اهداف آموزشی خود برسند و با شیوه‌ها یا متنهاى کاربردی‌تر موفقیت در آموزش را افزایش دهند.

این نوشتار به بررسی و نقد یکی از متون آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان می‌پردازد. هدف از این کار برجسته ساختن نقاط قوت و معرفی يك متن به کسانی است که برای این کار دل می‌سوزانند و از سویی نشان دادن برخی نقاط ضعف یا اشکالاتی است که از دید نویسندگان این مقاله، باعث می‌شود مؤلف محترم و نهاد مربوط نتوانند به درستی به خواسته آموزشی خود برسند.

پیشینه پژوهش

سالهاست که زبان فارسی به غیرفارسی زبانان در داخل و خارج از ایران آموزش داده می‌شود اما با وجود تنوع و تعدد منابع و کتابهای تألیفی در این باره آثار فراوانی وجود ندارد. کتابهای تألیف شده نیز بیشتر حاصل دانش و تجربه شخصی نویسندگان در این امر بوده است؛ بنابراین توجه به این منابع و بررسی و نقد آنها، بیشتر در چند سال اخیر دیده می‌شود. این نقد و بررسی‌ها نیز بیشتر به کلیات این موضوع، مهارتهای گوناگون در آموزش و اصول مورد نظر توجه کرده‌اند و کمتر به کتابهای نوشته شده پرداخته‌اند. از جمله در مجموعه مقالات ششمین مجمع بین‌المللی استادان زبان و ادبیات فارسی (۱۳۸۷) این مقالات دیده می‌شود:

«نقدی بر شیوه‌ها و متون آموزش زبان و ادبیات فارسی به خارجیان از حسن بساک»؛ نویسنده در این مقاله درباره موضوعاتی مانند شیوه‌های تدوین کتب فارسی، دشواری‌های رسم‌الخط و نگارش، کتابهای مهم آموزش فارسی به خارجیان، مقایسه متون فارسی قدیم و جدید اول دبستان، مهارت‌های تدوین مواد آموزشی و حمایت‌های مادی و معنوی از فارسی آموزی و فارسی آموزان بحث و نکاتی کلی را مطرح کرده است.

«نقد و بررسی منابع موجود در زمینه آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان از محمد پهلوان نژاد» که با اشاره به منابعی چون کتابهای فارسی آسان (۵ جلد)، کتابهای آموزش فارسی احمد صفار مقدم و آموزش زبان فارسی دکتر پورنامداریان، روشهای تدریس منابع موجود را بررسی کرده و به نقد و بررسی و نقاط ضعف و قوت آنها می‌پردازد.

«بررسی مشکلات بین زبانی آموزش زبان فارسی و راه کارهای گسترش زبان فارسی از فاطمه جعفری». نویسنده در این مقاله ابتدا مشکلات و مسائل بین فرهنگی زبان آموزانی را که خارج از محیط زبانی دوم به یادگیری زبان می‌پردازند بررسی می‌کند و راهکارهایی را برای کم شدن مشکلاتی که نام برده مطرح کرده است.

در مجموعه مقالات هفتمین همایش نیز که با نام «گلبانگ آشنایی» منتشر شده، چند مقاله در این موضوع نوشته شده است؛ از جمله:

«بررسی میزان انطباق واژه‌های پایه در کتابهای آموزش زبان فارسی با نیازهای فارسی آموزان خارجی از فاطمه باقری»؛ در این مقاله کتاب واژه‌آموزی مهناز عسگری (از مرکز آموزش زبان فارسی دانشگاه بین‌المللی قزوین) انتخاب و واژه‌های جدید ۲۴ درس از این کتاب استخراج شده است. نویسنده پس از گروه‌بندی واژه‌ها و استفاده از نظر خود فارسی آموزان، به این نتیجه رسیده که از مجموع ۱۱۸۴ واژه جدید این کتاب تنها حدود ۵۲۰ واژه یعنی ۴۳/۹ درصد کل واژه‌های کتاب در آن مرکز قابل تدریس هستند.

«فرآیند آموزش زبان فارسی و عوامل دخیل در آن از رقیه حبیبی». نویسنده ضمن بررسی عوامل مؤثر یادگیری و بیان نظریه‌های مهم در این زمینه، روشهای مؤثر در ثبت داده‌ها در حافظه دراز مدت زبان آموز را مورد بررسی قرار داده، روشهای مفید و کارساز را در امر آموزش زبان به طور اعم و آموزش زبان فارسی به طور اخص بیان کرده است.

«بررسی انتقادی کتاب زبان فارسی تألیف دکتر احمد صفار مقدم، از ناصرقلی سارلی». نویسنده مقاله دیدگاههای انتقادی‌ای را که گذشته از برخی ملاحظات نظری، حاصل تجربه عملی تدریس این کتاب است در چند محور مطرح کرده است: حوزه آوایی، آموزش خط و الفبا، واژگان، فرهنگ نگاری، گونه‌های گفتار و نوشتار زبان، دستور و دستور کاربردی، آزمون سازی و برخی ملاحظات فرهنگی و رون شناختی. در پایان مقاله نویسنده با در نظر گرفتن تجربه‌های موفق در آموزش سایر زبانها، پیشنهادهایی مطرح کرده است.

در شماره ۲ دوره هفتم مجله علمی پژوهشی فنون ادبی (پاییز و زمستان ۱۳۹۴) نفیسه رئیسی و محسن محمدی فشارکی در مقاله‌ای با نام «توصیف و نقد دستوری مجموعه کتاب‌های آموزش فارسی به فارسی جامعه المصطفی العالمیه» پس از معرفی مباحث دستوری لازم برای فارسی آموزان، کتابهای هشت جلدی آموزش فارسی به فارسی مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی المصطفی را از نظر دستوری توصیف و نقد کرده و راهکارهایی را برای بهبود مباحث این مجموعه کتاب ارائه کرده‌اند.

در باره مجموعه کتابهای تألیف شده با نام «آموزش نوین زبان فارسی» از آقای احسان قبول تاکنون نوشته یا مقاله‌ای دیده نشده و این نوشتار نخستین بار به بررسی و نقد جلد یک این کتاب می‌پردازد.

معرفی کتاب

مشخصات کتاب مورد نقد در این مقاله به این شرح است: «آموزش نوین زبان فارسی» جلد ۱ (دوره آغازین). مؤلف: دکتر احسان قبول؛ همراه با لوح فشرده و فرهنگ فارسی - عربی - انگلیسی. ناشر: دکتر احسان قبول. نوبت چاپ سوم. سال چاپ: ۱۳۹۲. مؤلف محترم برای دوره آموزش نوین فارسی، شش جلد کتاب تألیف کرده و منتشر ساخته است. این مقاله به بررسی و نقد جلد یک این مجموعه پرداخته است.

جلد نخست این کتاب یک مقدمه در سه صفحه، ده درس مجموعاً در ۱۲۷ صفحه و یک فرهنگ فارسی - عربی - انگلیسی در ۱۶ صفحه دارد. کل کتاب ۱۵۱ صفحه شده است.

در این نوشتار به ترتیب، در آغاز مطالبی عمومی درباره متن کتاب ذکر می‌شود، آنگاه کتاب را با

بخشهای مختلفی که در هر درس وجود دارد بررسی و نقد می‌کنیم. بخشهای مختلف درسهای کتاب عبارتند از: عنوان درس، کلمه‌های جدید، تلفظ، دستور زبان، بنویسید و تکرار کنید، متن و شعر، گفت و گو، نگارش، اعداد، تمرینها، خلاصه، مرور. فرهنگ سه زبانه کوتاهی نیز در پایان درسها آمده است.

۱- تعیین مخاطب

نویسنده محترم در کتاب، مخاطب خویش را به‌طور دقیق بیان نکرده است. در مقدمه کتاب آمده است که «جلد اول (شامل ده درس) به افراد دوره آغازین اختصاص دارد که آشنایی به زبان فارسی ندارند و در پایان دوره آموزشی، فارسی آموزان باید با بیش از ۳۵۰ کلمه پرکاربرد زبان فارسی آشنایی یابند و توانایی تلفظ و کاربرد صحیح آنها به صورت گفتاری و نوشتاری در ساختار جمله‌های دو جزئی و سه جزئی با مفعول، همراه با کاربرد انواع متمم قید و قیدهای زمان در زمانهای گذشته ساده و استمراری را بیابند». (قبول، ۱۳۹۲: ۴). در این باره چند پرسش پیش می‌آید:

۱. سن این مخاطبان چقدر است؟ یعنی کسانی که آشنایی با زبان فارسی ندارند در چه مقطع سنی هستند؟
۲. آیا ناآشنایان به زبان فارسی با هر ملیتی که باشند در آموختن زبان یکسان هستند؟
۳. آیا تفاوتی بین مثلاً عرب زبانان، هندیها، پاکستانیها و آفریقاییها و دیگران در آسانی یا سختی آموزش زبان فارسی به آنان وجود ندارد؟
۴. معیار پرکاربرد بودن واژه‌ها یا جمله‌هایی که باید به آنان آموزش داده شود و آنها بدانند در این کتاب چیست؟
۵. آیا این واژه‌ها و جمله‌ها از یک تحقیق میدانی یا منبع تحقیقی استخراج شده یا احتمالاً ذوقی و سلیقه‌ای و تخمینی است؟
۶. معیار آموزش زمان فعلهای گذشته، آن هم گذشته ساده و استمراری چه بوده و چرا از زمانهای پرکاربرد دیگر استفاده نشده است؟
۷. آیا زمان مضارع و شکل پرکاربرد آن مضارع اخباری در گفتار و نوشتار بسامد بیشتری ندارند؟ آیا این فعلها در کلاسهای درس و در زندگی روزانه و مراودات و گفتگوهای يك زبان آموز کاربرد ندارد؟
۸. معیار انتخاب جمله‌های دو و سه جزئی و شکلهای گفته شده بیان نگردیده است. گرچه جمله‌های دستوری را از هر جا آغاز کنیم می‌تواند محل اشکال و سؤال باشد ولی جمله‌های

اسنادی از کاربردی‌ترین جمله‌ها هستند که در این کتاب به آنها پرداخته نشده است. این پرسشها دربارهٔ این کتاب وجود دارد و نادیده گرفتن معیارهای لازم در اهداف کتاب، مشکلات و ایرادهایی را ایجاد کرده است. با این حال، از نوع جمله‌ها و گفت‌وگوها و کلیت متن کتاب، به نظر می‌رسد که جلد يك این مجموعه بیشتر مناسب مخاطب زیر ۱۲ سال است و برای سن بالاتر مناسب نیست. نمونه‌های زیر این نظر را تأیید می‌کند:

صفحه	درس	نمونه
ص ۷	درس اول	بابا آمد . مامان رفت . خواهر رفت . برادر رفت .
ص ۱۴	درس دوم	دانش آموز در حیاط دوید . ناظم با معلم در مدرسه ماند .
ص ۲۸	درس سوم	کودک ایستاد . مامان با زهرا به مسجد رفت .
ص ۱۲	درس اول	مریم: سلام مامان! صبح به خیر! مامان: سلام عزیزم! صبح به خیر!

۲- طراحی، رنگ و شکل صفحات کتاب

طراحی صفحات و نقاشی‌ها نشان می‌دهد که مخاطب این مجموعه باید کودکان باشند. گویا مخاطب این کتاب، نوآموزان فارسی زبان در ایران در پایهٔ نخست ابتدایی‌اند و متأثر از کتابهای درسی فارسی طراحی شده است. در حالی که زبان آموزان غیرفارسی زبان فقط کودک نیستند بلکه به طور میانگین بیشتر در سنین بین ۱۸ تا ۳۰ سال هستند. لذا طراحی کتاب و تصاویر، می‌توانست متناسب با همین سن شکل بگیرد یا بهتر بود مخاطب کتاب، از ابتدا مشخص می‌شد که کودک است یا نه.

۳- روش آموزش

جلد اول از مجموعه «آموزش نوین زبان فارسی» به گونه‌ای طراحی و تدوین شده است که استاد را در بیشتر موارد ناچار به استفاده از زبان واسطه و ترجمه کلمات می‌کند که به نوعی به سمت روش «دستور-ترجمه» می‌برد (نگاه کنید به لارسن فریمن، ۱۳۸۹: ۱۰-۲۱) و از روش «مستقیم» (نگاه کنید همان: ۲۲-۳۳) که امروزه بهترین و کارآمدترین روش آموزش زبان است دور می‌کند. با این حال روش دستور ترجمه هنوز در بعضی مراکز تک ملیتی مقبولیت دارد و هنوز از آن استفاده می‌شود. لذا این مجموعه برای کلاسی که زبان آموزانی با ملیتهای مختلف دارد مناسب نیست.

طراحی متن کتاب به گونه‌ای است که استاد به ناچار باید از زبان واسطه استفاده کند؛ این نکته با نگاه به اولین درس از کتاب کاملاً مشخص است؛ زیرا زبان آموزی که هنوز هیچ صدا و حرف و کلمه‌ای از زبان دوم نیاموخته باید چنین جمله‌هایی را بیان کند و بفهمد: بابا آمد؛ برادر رفت؛ شب بابا از اداره آمد؛ عصر مامان به بازار رفت. لذا این مجموعه برای کلاسی که زبان آموزان با ملیتهای مختلف دارد مناسب نیست و کاربرد ندارد مگر آنکه زبان آموزان به یک زبان واسطه مثل عربی مسلط باشند. قرائتی در کتاب نشان می‌دهد که این متن برای عرب زبانان تألیف شده و مؤلف محترم خود نیز تجربه آموزش این متن به مخاطبان عرب زبان را در کشور لبنان دارد.

۴- آموزش ندادن صداها و حروف قبل از ورود به جمله

اولین درس کتاب اول از خواندن کلمه‌ها و جمله‌ها شروع می‌شود و این در صورتی است که زبان آموز از قبل با حروف فارسی آشنایی داشته باشد؛ (مثل زبان آموز عرب زبان) ولی با این حال می‌بینیم که نویسنده در هر درس تا پایان درس ششم بعد از متن آموزشی به آموزش واج‌های زبان فارسی می‌پردازد. اگر زبان آموز واج‌های فارسی را نمی‌شناسد پس چگونه تا پایان درس ششم متنها را می‌خواند و اگر می‌شناسد پس آموزش واج‌ها در پایان هر متن برای چیست؟ این پرسشی است که ذهن هر مدرس باتجربه‌ای را به خود مشغول می‌کند ولی پاسخی برای آن در این کتاب نمی‌یابد. در اینجا و به‌طور کلی در نظام آموزشی، این پرسش به ذهن می‌رسد که آموزش زبان را به يك ناآشنا به زبان فارسی از کجا باید آغاز کرد؟ از خواندن متن؟ چگونه کسی که هیچ آشنایی با زبان ندارد می‌تواند متنی را بخواند؟ اگر استاد و معلم برای آنها متن را بخواند و زبان‌آموزان صرفاً بشنوند، چگونه می‌توانند تمرین و تکرار کنند؟ ظاهر امر نشان می‌دهد که این کتاب با توجه به مخاطب عرب زبان نوشته شده و عرب زبانان به سبب اشتراك در خط با زبان فارسی و آشنایی با حروف - بجز حروف ویژه فارسی - در به کارگیری خط چندان مشکلی ندارند. بنابراین کتاب، آموزش را از جمله شروع کرده است.

نکته دیگر این است که قبل از آموختن نوشتار حروف از او می‌خواهیم کلمه‌ها را بنویسد. (مانند تمرین ۱ ص ۸ از درس اول). این نمونه و امثال آن نشان دهنده این است که این مجموعه فقط برای مخاطب و اقتضات عرب زبان تألیف شده است. بعضی تمرین‌ها و متنها این مسأله را کاملاً واضح نشان می‌دهد.

به عنوان نمونه ص ۱۲۸ درس دهم تمرین ۵: مقایسه حروف فارسی با عربی. در این تمرین از آنها چنین خواسته شده است: «برای هر يك از واجهای پ، چ، ژ، گ» چهار کلمه بنویسید».

۵- مدت زمان تدریس

به طور کلی در تدریس هر کتاب یا موضوعی باید در دو سطح برنامه‌ریزی صورت بگیرد: «یکی برنامه‌ریزی در طول سال تحصیلی (سالانه) و دیگری برنامه‌ریزی برای طرح درس روزانه». (صفوی، ۱۳۹۰: ۲۹۱). در این کتاب برای هر درس و در مجموع برای کل کتاب مقدار زمان معینی برای تدریس مشخص نشده است. با توجه به اینکه تعداد صفحات هر درس نیز متفاوت است، نامشخص بودن زمان بیشتر به چشم می‌آید. تعداد صفحات درسها هم تا حدی نامتوازن است. درس اول ۷ صفحه، درسهای دوم و هفتم ۱۴ صفحه، درس سوم ۱۳ صفحه، درسهای چهارم و ششم ۱۵ صفحه، درس هشتم ۱۸ صفحه و درس نهم ۱۶ صفحه است. درسهای پنجم و دهم که مرور درسهای پیشین است به ترتیب ۷ و ۹ صفحه دارد. نامتوازن بودن مقدار درسها سبب می‌شود که از پیش نتوان در طرح درس روزانه زمان لازم را دقیقاً مشخص کرد مگر اینکه طول دوره آموزشی اهمیت نداشته باشد. «طرح درس روزانه برنامه‌ای است مدون و سنجیده که معلم قبل از تدریس برای يك جلسه درس تهیه می‌کند». (همان). بنابراین نه يك زمان مساوی برای هر درس تعیین شده و نه زمان مشخصی برای کل کتاب ذکر شده است و این موضوع زمان و مقدار تدریس را نامشخص و نامتوازن می‌کند.

۶- در نظر گرفتن بسامد کلمه‌ها در تدوین درسها

در آموزش زبان لازم است واژه‌ها، جمله‌ها و عبارات پر بسامد در ابتدا آموزش داده شوند و به ترتیب به سمت کم بسامد بروند. طبعاً انتخاب واژگان برای آموختن به کسانی که زبان مادری متفاوتی دارند کاری مشکل است. برای اینکه کاربرد واقعی و بسامد بالای کاربرد واژگان را در آموزش نشان دهیم به يك پیکره زبانی نیازمندیم. در زمینه فراهم کردن فرهنگ بسامدی کارهای اندکی صورت گرفته که کتاب «فرهنگ بسامدی براساس پیکره متنی زبان فارسی امروز» تألیف محمود بی‌جن خان و مهدی محسنی یکی از این منابع مهم است. ظاهراً کتاب آموزش نوین فارسی پیش از انتشار این کتاب تألیف شده و مؤلف به آن دسترسی نداشته است.

در این مجموعه به این موضوع کمتر توجه شده است. البته ممکن است به نظر آید که کلمه‌هایی مثل بابا، مامان، خواهر و برادر (ص ۷ درس اول) پر بسامد باشند به شرط اینکه مخاطب و زبان آموز ما یک کودک باشد ولی برای یک دانشجو یا بزرگسال کلماتی مثل کلاس، درس، استاد، دانشگاه و ... بسامد بیشتری دارند. همچنین به جای فعلهای «دوید و ماند» (ص ۱۴) نیز بهتر بود فعلهای پر بسامد دیگر مثل «نوشت، خواند، خورد، دید، رفت و ...» آموزش داده می‌شد. همچنین این نکته که واژه‌های پر بسامد را از زبان محاوره انتخاب کنیم یا از زبان رسمی، خود محل بحث است و به نظر می‌رسد که بهتر باشد برای مخاطب زبان فارسی، زبان رسمی را انتخاب کنیم و او خود در محیط یا به اقتضای نیاز، زبان محاوره را بیاموزد. به هر حال معیار پر بسامد بودن واژه‌ها روشن نیست و شاید نویسنده، با توجه به تجربه و ذوق و شمّ خود این واژه‌ها را برگزیده باشد.

۷- عنوان درسها

عنوان هر درس به شکل جمله است. مانند: بابا از اداره آمد (درس اول)، آیا دانش آموز در خانه ماند؟ (درس دوم)، من زیر درخت نشستم (درس سوم)، ... از ده درس کتاب، درس پنجم و دهم به مرور درسهای پیشین اختصاص داده شده و با این حساب، هشت درس مستقل و آموزشی است. آوردن عنوان درس به صورت جمله مفید و خود نوعی آموزش زبان است. این نوع عنوان سازی در کتابهای دیگری که برای آموزش زبان فارسی نوشته شده است دیده نمی‌شود و این کار در جای خود ارزشمند و زیبا است. با وجود این، برخی عنوانها با توجه به متن و جمله‌های به کار رفته در آن غیرکاربردی و ساختگی است. مانند آیا دانش آموز در کتابخانه ماند؟ (درس دوم)، باران و برف از آسمان باریدند (درس چهارم)، من آب را با لیوان نوشیدم (درس ششم). عنوان درس هفتم هم عنوانی ادبی است: طبیعت در فصل بهار لباس زیبا پوشید.

۸- کلمه‌های جدید

درس اول از همان آغاز با عنوان کلمه‌های جدید شروع می‌شود و ۱۵ کلمه در ابتدا ذکر شده است. چون در درسهای بعد نیز عنوان «کلمه‌های جدید» تکرار می‌شود عنوانی درست است اما برای درس اول که هنوز هیچ واژه‌ای آموزش داده نشده درست نمی‌نماید. سپس متن با جمله شروع

می‌شود و نویسنده محترم شاید فرض را بر این گذاشته‌اند که مخاطبشان نخستین مواد آموزش یعنی صداها و حروف الفبا را می‌دانند و می‌شناسند.

پیش از این بیان شد که مشخص نیست، مؤلف بر چه اساسی واژه‌های هر درس را انتخاب کرده است. واژه‌های جدید نه با عنوان اول متن تناسب دارد و نه با یک موضوعی که بتوان از مجموع کلمات فرض کرد.

نمونه: درس سوم، عنوان درس: من زیر درخت نشستم.

واژه‌های جدید درس: ایستاد، روی، نشست، مهمان، کودک، میز، زیر درخت، صندلی، مبل، فرش، مسجد، باغ.

جمله‌ها: کودک ایستاد. معلم روی صندلی نشست. دیروز مهمان به خانه آمد. کودک روی میز ایستاد. هم کلاسی زیر درخت نشست. علی در حیاط روی صندلی نشست. مهمان در خانه روی مبل نشست. بابا در مسجد روی فرش نشست. مامان با زهرا به مسجد رفت. سارا در باغ زیر درخت ایستاد. (قبول، ۱۳۹۲: ۲۸).

این نمونه نشان می‌دهد که از پیش تعدادی واژه در نظر گرفته شده که آموزش داده شود؛ سپس متناسب با واژه‌ها جمله‌هایی ساخته و بیان شده است. برخی از این جمله‌ها صرفاً حاوی کلمه مورد نظر و از پیش تعیین شده است و با دیگر جمله‌ها چندان ارتباطی ندارد و همین امر باعث شده که مجموع جمله‌ها نتواند یک متن واحد و متناسب بسازد. در دیگر درسها نیز همان ایراد اساسی در کلمه‌های جدید و جمله‌های نمونه وجود دارد.

۹- ناقص بودن معنی برخی از جمله

آموزش زبان در واحد جمله باید به صورتی کامل و با معنای کامل باشد. اما در این کتاب بسیاری از جمله‌های درسها بویژه درسهای نخستین، از نظر معنایی، ناقص یا بدون آشنایی ذهنی و بی‌قرینه است که این موضوع به زبان آموزی آسیب می‌زند و باعث شکل‌گیری جمله‌های غلط در ذهن زبان آموز می‌شود؛ خصوصاً در اوایل آموزش زبان که ذهن زبان آموز کاملاً خالی از زبان فارسی است.

نمونه‌ها: ص ۱۴ درس دوم: معلم ماند. این پرسش پیش می‌آید که صحبت از چیست و معلم در کجا ماند. ص ۲۸ درس سوم: کودک ایستاد. پیش از آن صحبت از چه بوده که اکنون کودک ایستاد.

ص ۷۸ درس هفتم: ما لباسهای زشت را نپوشیدیم. مفعول معرفه است و چنین جمله‌ای نشان می‌دهد که ما پیش از این از لباس سخن می‌گفته‌ایم ولی در متن چنین نیست.

ص ۹۲ درس هشتم: پسرها و دخترها این درس را خوب فهمیدند. کدام پسرها و دخترها؟

ص ۱۱۰ درس نهم: من هفته قبل حقیقت را به دوستم گفتم. چه حقیقتی را گفته‌اید؟

جمله باید تمام باشد و شنونده ذهنش قانع شود و منتظر یا دنبال پیش یا پس از جمله نباشد تا بدانند این جمله از چه سخن می‌گوید.

۱۰- جمله‌ها و گفت‌وگوهای غیر کاربردی

همه درسها با عنوان کلمه‌های جدید آغاز و سپس وارد جمله می‌شود. اگر واژه‌های هر درس را جدا در نظر بگیریم شاید بتوان آنها را واژه‌های کاربردی یا تا حدودی پربسامد دانست؛ مانند دوید، دانش آموز، کتاب، کلاس. البته از واژه‌هایی مانند هم کلاسی، حیاط، کتابخانه، میز، باغ، کشتی، طبیعت و ساحل جز در محیطها و نیازهای خاص استفاده‌ای نمی‌شود؛ اما جمله‌های متن چندان کاربردی نیست و بیشتر ساختگی است و هدف این بوده که واژه‌هایی را که با عنوان «کلمه‌های جدید» معرفی شده‌اند، در جمله قرار بگیرند. این دید باعث شده برخی جمله‌ها فقط در يك واژه تفاوت داشته و کاملاً با جمله‌ای دیگر شبیه باشند. مانند: دانش آموز از خانه به کتاب خانه رفت. دانش آموز از کلاس به کتابخانه رفت. (درس دوم، ص ۱۴). از طرف دیگر بسیاری از جمله‌های به کار رفته در کتاب تصنعی است و با این ترکیب در محاورات و نوشته‌های طبیعی و معمولی به کار نمی‌رود. مانند:

صفحه	درس	نمونه
ص ۲۲	درس دوم	آیا دانش آموز با هم کلاسی در مدرسه ماند؟
ص ۴۰	درس سوم	خواهر زیر درخت ایستاد.
ص ۴۱	درس چهارم	باران از ابر بارید. کودک در شب خوابید. خورشید در روز به آسمان آمد. ماه و ستاره در شب به آسمان آمدند.
ص ۶۳	درس ششم	ما آب را با لیوان نوشیدیم.
ص ۱۱۰	درس هشتم	پدر یک ساعت قبل فرزندش را با ماشینش آورد.
ص ۱۲۰	درس نهم	آنها یک هفته در مشهد، حرم امام رضا را زیارت می‌کردند و غذاهای ایرانی را در مشهد می‌خوردند.

در تمرین ص ۴۲ درس چهارم از زبان آموز خواسته شده که «کلمه مناسب را در جای خالی بگذارید»؛ در این تمرین بیشتر جمله‌ها غیرکاربردی و ساختگی است: من روی خوابیدم. (ستاره، دریا، باغ، کشتی). آیا هانیه از به لبنان آمد؟ (دریا، ابر، درخت، ماه)

برخی از تمرینها، گفت‌وگوها و سؤال و جواب‌ها و نیز جمله‌های قسمت «بشنوید و تکرار کنید» نیز تصنعی و بیشتر غیرکاربردی است. مانند:

صفحه	درس	نمونه
ص ۲۱	درس دوم	آیا احمد در کلاس دوید؟ خیر،
ص ۲۲	درس دوم	آیا دانش آموز با همکلاسی‌اش در مدرسه ماند؟ بله دانش آموز با هم کلاس در مدرسه ماند.
ص ۲۵	درس دوم	احمد: آیا امروز بابا به مدرسه آمد؟ فاطمه: بله، امروز بابا به مدرسه آمد. احمد: آیا بابا از خانه به مدرسه آمد؟ فاطمه: خیر، بابا از خانه به مدرسه نیامد. بابا از اداره به مدرسه آمد. احمد: آیا بابا صبح از خانه به مدرسه آمد؟ فاطمه: بله، بابا صبح از خانه به مدرسه آمد.
ص ۳۵	درس سوم	آیا دیروز کودک در خانه روی میز ایستاد؟ بله، دیروز کودک در خانه روی میز ایستاد. آیا دیشب تو در کتاب‌خانه روی صندلی ایستادی؟ آیا دیروز مهمان در اداره روی میز نشست؟
ص ۳۶	درس سوم	آیا دیروز تو در کلاس روی میز نشستی؟
ص ۶۰	درس پنجم	حمید: رضا! آیا علی و احمد از روی کوه به زمین افتادند؟ ... آیا آنها دیشب از روی درخت افتادند؟

نکته دیگر در این باره این است که گفت و گوها ترکیبی از رسمی و گفتاری است و مرز بین

گفتاری و نوشتار مشخص نشده و چه بسا زبان آموز در نوشتن یک متن رسمی دچار تشویش بشود و تشخیص ندهد که باید از چه واژه‌هایی در متن نوشتاری و رسمی استفاده کند.

۱۱- متن‌ها

با وجود آنکه ساختن یک متن طبیعی بر اساس اندوخته و دانش زبانی و واژگانی یک زبان آموز پایه در ابتدا سخت است با این حال در کتاب آموزش نوین زبان فارسی، نویسنده نتوانسته حتی بعد از شش درس یک متن طبیعی بسازد. منظور از متن طبیعی این است که مخاطب یا خواننده مطلب احساس نکند که جمله‌ها ساختگی و برای این است که به هر شکل مطلب یا واژه‌ای به او منتقل شود بلکه خود را در متن ببیند و با متن صمیمیت و همدلی پیدا کند. برخی از متن‌های کتاب این همدلی و همراهی را در مخاطب ایجاد نمی‌کنند. نمونه درس هفتم:

«من در فصل بهار به باغ رفتم. من در باغ درخت‌ها و گل‌ها و چشمه‌ها را دیدم. من از دور صدای پرنده‌ها را شنیدم. من طبیعت را در فصل بهار زیبا دیدم. رنگ طبیعت در فصل بهار سبز است. باران در بهار خیلی بارید. تابستان بعد از فصل بهار آمد. من فصل تابستان را هم سبز و زیبا دیدم. من در تابستان میوه‌ها را بر روی درخت‌ها دیدم. من در تابستان خیلی میوه خوردم. تابستان رفت و پاییز آمد. من رنگ برگ‌های درخت‌ها را در پاییز زرد و قرمز دیدم. برگ‌های درخت‌ها در فصل پاییز از درختها افتادند. در پاییز پرنده‌ها به مکان‌های گرم رفتند. من در فصل پاییز به مدرسه رفتم. بعد از فصل پاییز زمستان آمد. من در زمستان لباس گرم پوشیدم. برف در زمستان خیلی بارید. من در زمستان گل‌ها و برگ‌های درخت‌ها را ندیدم. من در زمستان صدای پرنده‌ها را نشنیدم. طبیعت در زمستان خوابید. همه فصل‌های سال معلم امید و زندگی هستند.» (قبول، ۱۳۹۲: ۸۵).

از این متن آشکار است که نویسنده بیشتر خواسته است ویژگی‌ها و رخداد‌های طبیعی در فصل‌ها را منتقل کند و مفاهیم آن را آموزش دهد؛ یعنی بیشتر از آنکه زبان آموزی مورد نظر باشد انتقال مفهوم و پیام مورد نظر بوده است. به همین خاطر متنی مصنوعی تولید شده است.

۱۲- گفت و گوها

مطابق آنچه نویسنده محترم در مقدمه ذکر کرده است گفت و گو از بخش‌های مهم هر درس است که براساس کلمه‌های جدید و دستور زبان نوشته شده است. اما در بعضی از گفت‌وگوها

جمله‌ها با هم ارتباط و انسجام یک فضای واحد و معمولی را ندارند. مانند:

صفحه	درس	نمونه
ص ۳۷	درس سوم	علی: مریم! آیا دیروز صبح تو به مدرسه رفتی؟ مریم: نه، دیروز صبح من به مدرسه نرفتم. من به کتابخانه رفتم. علی: آیا سارا هم به کتابخانه آمد؟ مریم: نه، سارا به کتابخانه نیامد. زهرا به کتابخانه آمد. مریم: آیا تو دیشب به باغ رفتی؟ علی: نه، دیشب من در خانه ماندم. مریم: آیا بابا هم در خانه ماند؟ علی: نه، بابا به باغ رفت.
ص ۵۳	درس چهارم	احمد: آیا آنها به مسافرت رفتند؟ رضا: نه آنها به مسافرت نرفتند. آنها از روی درخت به زمین افتادند.

۱۳- دستور زبان

یکی از اصول طراحی کتابهای زبان بهره‌گیری از آموزش دستور زبان کاربردی است آن هم در حد نیاز یک زبان آموز نه بیشتر. متأسفانه در تدوین مجموعه «آموزش نوین زبان فارسی» به این نکته اساسی دقت کافی نشده و از همان ابتدا به آموزش دستورهای پرداخته که کاربردی برای زبان آموز ندارد و چه بسا اصلاً چیزی از آن متوجه نشود. علاوه بر این زبان آموزی که وارد اولین جلسه آموزش زبان شده معانی و مفاهیم کلماتی مثل قید، نهاد، حرف اضافه را چگونه می‌فهمد؟ این مفاهیم زمانی قابل درک هستند که برای هر کدام مثالهای متعدد زده شود در حالی که در درس اول چنین امکانی اصلاً وجود ندارد مگر با استفاده از زبان واسطه. مؤلف محترم در مقدمه کتاب درباره این قسمت نوشته‌اند: «مباحث دستور زبان به صورت نظری در این بخش ارائه شده و فارسی‌آموزان می‌توانند با یاری شمّ زبانی‌ای که در قسمت کلمه‌های جدید به دست آورده‌اند، قواعد درس را در انواع جمله‌ها و ترکیبها به کار ببرند؛ همچنین بعضی مباحث دستور زبان به صورت غیر مستقیم آموزش داده شده است». (قبول، ۱۳۹۲: ۵). در بیان خود مؤلف در مقدمه ابهامی وجود دارد و آن این است که زبان آموز چگونه با شمّ زبانی خود قواعد زبان را آن هم از واژه‌های جدید بیاموزد؟ مگر واژه‌های جدید به همراه خود قواعد دستوری را نیز نشان می‌دهند؟ چه مباحثی از دستور به طور

غیر مستقیم آموزش داده شده و چگونه؟

مشکل دیگر برای زبان آموز تازه کار این است که در قسمت دستور زبان، اصطلاحات دستوری به صورت مستقیم، به کاررفته است. برای کسی که فقط يك درس تا به اینجا از زبان فارسی آموخته آن هم در دوره آغازین، آموزش و بیان این اصطلاحات یا اساساً دستور زبان زود نیست؟ چگونه در يك درس شش اصطلاح را بداند و جایگاه آنها را در جمله بشناسد؟ نمونه زیر این ایراد را نشان می دهد:

ص ۱۰ درس اول: بابا (نهاد)، ظهر (قید زمان)، از (حرف اضافه) اداره (متمم) آمد (فعل).

در صفحه ۳۲ فعل گذشته ساده تدریس و در آن از بن و شناسه فعل نام برده شده در حالی که هیچ گونه توضیحی درباره اینکه بن و شناسه چیست نیامده است.

با این که فعل «مضارع اخباری» و «امر» از فعلهای پرکاربرد در زبان فارسی هستند و حتی بسامد آن از فعل ماضی استمراری بیشتر است، در جلد اول کتاب اصلاً به آن پرداخته نشده و هیچ جمله ای با زمان مضارع اخباری در این کتاب آورده نشده و مؤلف آموزش آن را به کتاب بعدی محول کرده است و زبان آموز با گذراندن وقت زیادی برای زبان آموزی در کتاب اول، فعل «مضارع اخباری» و «امر» را نمی شناسد و نمی تواند به کار ببرد.

۱۴- تلفظ و هجی کردن کلمه ها

بخشی از درسها که معمولاً در قسمت ۲ هر درس آمده، به تلفظ اختصاص دارد. در درس اول، تلفظ واجها بیان شده است. اگر این عنوان برای راهنمای معلم باشد که کمتر جای بحث است ولی اگر برای خود زبان آموز باشد، چگونه زبان آموزی که هیچ آشنایی با حروف یا صداهاى زبان فارسی ندارد آنها را بخواند و بداند؟ از طرف دیگر نخستین درس کتاب با جمله شروع شده؛ کسی که تازه باید صداها را بخواند و بیاموزد چگونه در آغاز درس، جمله به او آموزش داده شده است؟

در ص ۸ درس اول، در آموزش واجها، مصوت های بلند (آ، ای، او) را به این شکل آموزش داده شده است: باد = ب + آ + د بیش = ب + ای + ش بود = ب + او + د.

آیا برای یک زبان آموز این اشکال پیش نمی آید که در کلمه «بود» چه اتفاقی افتاد که «الف» نشانه مصوت بلند «او» حذف شد؟ در دیگر کلمه ها هم به همین منوال و آیا استاد به راحتی می تواند این سوال را به یک زبان آموز پاسخ دهد؟ در این قسمت بین صدا (واج) و حرف آمیختگی و گاهی

آشفتگی وجود دارد. مثلاً زبان آموز واژه باد را می‌آموزد که از سه صدا (واج) تشکیل شده اما در نوشتن، صداها و حروف به این شکل تفکیک شده است: ب + آ + د. در اینکه صدای دوم، مصوت بلند «آ» هست بحثی نیست اما شکل نوشتاری آن را با حرف «آ» آغازین نوشته است که نادرست است و باید بدون علامت بر روی «ا» نوشته شود. گرچه هدف اصلی آموزش، تلفظ و صدا بوده ولی رعایت نکردن شکل درست نوشتار به بدآموزی خطی و املائی منجر می‌شود. این موضوع در دو مصوت بلند دیگر نیز تکرار شده است.

در آموزش زبان پرداخت به تفکیک هجاهای کلمات کاری نادرست و کم فایده است؛ مانند صفحه ۱۵. این کار بیشتر برای کودکان و در زبان اصلی خودشان کاربرد دارد. اما زبان آموز باید صدای ترکیبی واژه‌ها را دریافت و درست تلفظ کند؛ مثلاً در واژه «ایستگاه» حرف «ت» و گاهی حرف «ه» اصلاً تلفظ نمی‌شود و باید به زبان آموز هم به همین صورت آموزش داد.

در صفحه ۱۰ و در تمرین (۴) خواسته شده که کلمه‌ها را از سی دی بشنوند و مانند مثال به واج و هجا تحلیل کنند. در متن کتاب واجها و هجاها به آنها آموزش داده نشده و این صفحه حکم کتاب تمرین برای درس دارد که بهتر بود در خود کتاب واجها و در صورت نیاز هجا در آغاز آموزش داده می‌شد.

در صفحه ۱۷ انواع هجا به صورتی مختصر به آنها گفته شده و فقط با يك مثال و بدون بیان معیار، با عنوان هجاهای کوتاه، کشیده و بلند نامگذاری شده است. انواع هجا بیشتر موضوعی زبان شناسی است و آموزش آن برای فارسی آموز تازه کار چندان ساده نخواهد بود.

در قسمت تلفظ در صفحه ۳۰ برخی از واجها آموزش داده شده. در مقدمه کتاب درباره این بخش چنین آمده است: «در این قسمت تلفظ انواع واجها، واژه‌ها و جمله‌ها ارائه شده و روش نگارش واژه‌ها و ترکیبهای اسمی با توجه به تلفظشان آموزش داده شده است. در آموزش تلفظ واجها، صورت صوتی واژه‌ها اهمیت دارد نه معنای آنها. شنیدن و تکرار زیاد فارسی آموزان بعد از صدای استاد و لوح فشرده از اهمیت زیادی در این بخش برخوردار است.» (قبول، ۱۳۹۲: ۴). در اینجا دو اشکال پیش می‌آید: یکی اینکه تفاوت واج با حرف مشخص نیست؛ مانند نامعلوم بودن نام این شکلها: «ا، ء، آ».

اشکال دیگر اینکه وقتی زبان آموز باید شکل نوشتاری و گفتاری واژه‌ها را بداند چرا معنای آنها

را نداند؟ یعنی نمی‌شد این صداها یا حروف را در واژه‌هایی که می‌داند به کار بُرد؟ گذشته از آن اگر معنای این واژه‌ها مهم نیست چگونه کتاب با جمله شروع شده است؟

در ص ۵۸، تمرین (۵)، آوردن تمرین شناسایی واجهای هم‌آوا در درس پنجم و حتی توضیح آن در پایان درس چهارم تقریباً بی‌ثمر است. چون زبان‌آموزی که تا اینجا (پس از خواندن ۵ درس) می‌تواند جمله‌های زیادی را بخواند و بنویسد حتماً متوجه شده که بعضی از حروف در زبان فارسی هم‌آوا هستند.

۱۵- تمرینها

یکی از مزایای چشمگیر این کتاب وجود تمرینهای فراوان و متنوع در آن است. در هر درس چندین قسمت جداگانه و برای موضوعات گوناگون درسی تمرین ارائه شده است. پیداست که تمرین فراوان، یادگیری را بهتر و سریعتر می‌کند. اما اشکالاتی نیز متوجه این قسمت هست. در صفحه ۸ یعنی صفحه دوم متن در تمرین ۱ از زبان آموزان خواسته شده که در جاهای خالی کلمه مناسب بگذارند. این زبان آموزان هنوز نوشتار را نیاموخته‌اند پس چگونه يك کلمه کامل را و آن هم متناسب در جای خالی بنویسند؟

تمرینهای درسها به نحوی چیده شده که زبان آموز حتماً باید سی دی آموزشی را بخواند یا ببیند تا بتواند آنها را انجام دهد. این امر در عین حال که زبان آموز را وادار می‌کند که فعالیت جنبی را انجام دهد و سی دی را ببیند تا حدودی کتاب را از فایده خارج می‌کند چون باید خود کتاب منبع اصلی و مستقل باشد.

تمرین گسترش جمله، از تمرینهای خوب و مناسب برای زبان آموزان است که در این مجموعه به خوبی از این تمرین استفاده شده است. یعنی نمونه‌ها از جمله‌های کوتاه آغاز و به جمله‌های نسبتاً بلند پایان می‌یابد. سیر تدریجی این نوع جمله‌ها و تمرینها خود يك نظام را در ذهن مخاطب ایجاد و قواعد دستوری را نیز مستقیم یا غیر مستقیم به او می‌آموزد. مانند: ص ۱۱ درس اول: رفت. بابا رفت. بابا از خانه رفت. بابا صبح از خانه به اداره رفت.

۱۶- نکات دیگر

برخی نکات دیگر نیز درباره مطالب کتاب و آموزش درسها و نکته‌های آن وجود دارد که در این قسمت مطرح می‌کنیم.

در صفحه ۱۹ درس اول در بخش دستور زبان برای جواب منفی، واژه «خیر» آموزش داده شده است. واژه «خیر» در مقایسه با واژه «نه» بسامد کمی دارد ولی زودتر از این، واژه «نه» آمده است. «نه» در صفحه ۳۷ درس سوم آموزش داده شده است.

صفحه ۱۳ درس اول، عنوان «غیر رسمی» در جدول را نمی‌توان کاملاً معادل «زبان گفتاری» فرض کرد. بهتر بود به جای آن از «زبان نوشتاری» و «زبان گفتاری» استفاده می‌شد.

صفحه ۱۳ درس اول (بخش خلاصه)، نوشتن خواهر (= خاهر) در متن کتاب باعث می‌شود که زبان آموز فکر کند این کلمه به هر دو شکل نوشته می‌شود. چون ویژگی ناخوانا بودن برخی از حروف در نوشتار، آموزش داده نشده، ممکن است سردرگمی ایجاد کند.

با اینکه در آخر کتاب برای تلفظ درست کلمات از حروف فونوتیک استفاده شده ولی در درسها روش سخت‌تر (البته برای غیر عرب زبانها) انتخاب شده. نگاه شود به ص ۴۴ درس چهارم، انواع تلفظ ا؛ آبر: صامت ء ← ء + ب + ر؛ بابا: مصوت بلند آ ← ب + آ / ب + آ.

صفحه ۱۲۰ درس نهم، موضوع متن نشان می‌دهد که یک زن و شوهر از کشور دیگری برای گردش و زیارت به ایران آمده‌اند و با جمله‌ای که در مراجعت به کشورشان به دوستانشان می‌گویند یعنی «ما کشور ایران را خیلی زیبا دیدیم.» نشان می‌دهد که اصالتاً ایرانی هم نیستند. بنابراین بهتر بود به جای انتخاب کردن فامیلی ایرانی یعنی «موسوی» برای آن زن و شوهر از نامی غیر ایرانی استفاده می‌شد تا متن واقعی‌تر باشد. این مسأله در صفحه ۱۲۲ هم در قسمت گفت وگو اتفاق افتاده است.

آخرین قسمت کتاب، فرهنگ کتاب است که واژه‌های متن کتاب را به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی همراه با نشانه‌های ویژه، آوانگاری کرده است. این کار برای معادلسازی و گسترش دایره واژگان و نیز درک بهتر معنی و مفهوم واژگان بسیار مؤثر و مفید است و چون در پایان کتاب آمده به روند آموزش درون متن اشکالی وارد نمی‌کند.

نتیجه

کتاب آموزش نوین زبان فارسی از منابع مفید و به اندازه خود کاربردی در آموزش فارسی به غیرفارسی زبانان است. این کتاب بیشتر براساس تجربه شخصی مؤلف محترم در تدریس زبان فارسی به عرب زبانان بویژه در لبنان تدوین شده است. کتاب بخشهای گوناگون دارد و تنوع تمرینها، کوتاه بودن متنها، کیفیت چاپ و ظاهر آن، توجه به تلفظ، گفت و گو و در مجموع نگاهی جدی به مهارتهای چهارگانه از مزایای کتاب است. عنوان درسها به صورت جمله آمده که حاوی نکته دستوری مورد نظر در هر درس است؛ تمرین محوری با تنوع فراوان، توسعه تدریجی جملهها در برخی درسها و تمرینها، استفاده از تصاویر، توجه به زبان غیر رسمی در کنار زبان رسمی، بخشهای مستقل و متنوع در هر درس همراه با پیوستگی درونی آنها، بهره گیری از شعرهای کوتاه و ضرب المثلهای و تهیه و استفاده از سی دی از دیگر نقاط مثبت و قوت این کتاب است. اما این کتاب از همان آغاز، مستقیم با جمله تدریس را شروع کرده است. در حالی که نخستین موادی که آموزش داده می شود صداها و حروف و آشنا کردن مخاطبان با این موارد است، این کتاب چنین کاری نکرده و در قسمتهای مختلف درسها به طور پراکنده صداها را آموزش داده است.

برای واژه های جدید یا کاربردی معیار روشنی وجود ندارد و بیشتر ذوقی و شمی واژه ها در متون به کار رفته است. بسیاری از جمله های متن و برخی از گفت و گوها، ساختگی و غیر کاربردی است. دستور زبان و اصطلاحات آن نیز بیشتر برای کسی که قواعد زبانی را خوب می داند مناسب است. مخاطب کتاب به روشنی بیان نشده ولی ظواهر امر مانند تصاویر و واژگان و نوع جمله ها نشان می دهد که کودکان و نوجوانان بیشتر مورد نظر بوده اند.

برطرف کردن اشکالات کتاب و رعایت اصول علمی می تواند این کتاب را به یکی از منابع خوب آموزشی زبان فارسی، دست کم برای مخاطبان عرب زبان تبدیل کند.

منابع

۱. آخوندی، علی، (۱۳۹۱)، «کتابشناسی توصیفی کتابهای آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان»، پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه زبان و فرهنگ شناسی، جامعه المصطفی (ص) العالمیه قم.
۲. بی جن خان، محمود؛ محسنی، مهدی، (۱۳۹۱)، فرهنگ بسامدی، انتشارات دانشگاه تهران.
۳. ذوالفقاری، حسن، (۱۳۸۴)، «کتابشناسی آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان»، مجله سخن عشق، شماره ۲۳.
۴. رحال زاده، رضا، (۱۳۸۷)، روشهای برتر تدریس، تهران، جهاد دانشگاهی واحد تربیت معلم.
۵. رئیسی، نفیسه؛ محمدی فشارکی، محسن، (پاییز و زمستان ۱۳۹۴)، «توصیف و نقد دستوری مجموعه کتابهای آموزش فارسی به فارسی جامعه المصطفی العالمیه»، مجله علمی پژوهشی فنون ادبی» دانشگاه اصفهان، شماره ۲ دوره هفتم، پیاپی ۱۳.
۶. سینتیا بی. لشین، جولین پولاک، و چارلز ام. رایگلوث، (۱۳۸۶)، راهبردها و فنون طراحی آموزشی، ترجمه هاشم فردانش، تهران، انتشارات سمت.
۷. صفوی، امان الله، (۱۳۹۰)، روشها، فنون و الگوهای تدریس، چاپ هفتم، تهران، سمت.
۸. قبول، احسان، (۱۳۹۲)، آموزش نوین زبان فارسی، چاپ سوم، ناشر مؤلف.
۹. گلبانگ آشنایی (۱۳۹۰)، مجموعه مقالات هفتمین مجمع بین المللی استادان زبان و ادبیات فارسی، به کوشش عباسعلی وفایی، تهران، انتشارات شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.
۱۰. لارسن فریمن، دایان (۱۳۸۹)، ترجمه منصور فهیم، مستانه حقانی، چاپ پنجم، تهران، انتشارات رهنما.
۱۱. مجموعه مقالات ششمین مجمع بین المللی استادان زبان و ادبیات فارسی، (۱۳۸۷)، به کوشش عباسعلی وفایی، تهران، انتشارات شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.